

گزارش

هشدار درباره تضعیف اکوسیستم فناوری ایران

هر موج فیلترینگ، یک موج جدید مهاجرت می‌سازد

در دنیایی که اقتصاد و اعتبار آن بر پایه «ثبات» و «تعاملات بین‌المللی» بنا شده است، اکوسیستم تجارت الکترونیک ایران با تالطم‌هایی روبه‌روست که آن را از مسیر رشد جهانی جدا کرده‌است. در این میان، مدیران و متخصصان حوزه فناوری، نه تنها با چالش‌های فنی و زیرساختی، بلکه با فشار مضاعف بی‌ثباتی‌های اجتماعی و تصمیمات لحظه‌ای در سیاست‌گذاری روبه‌رو هستند؛ وضعیتی که باعث شده کفه ترازو به نفع خروج از کشور سنگین‌تر شود و متخصصان برای دستیابی به امنیت حرفه‌ای و درآمد‌های استاندارد، مسیر مهاجرت را بگزینند.

نیما قاضی، رئیس انجمن تجارت الکترونیک، به بررسی دلایلی پرداخته که منجر به تضعیف جایگاه ایران در بازار دیجیتال و گردشگری شده‌است. او معتقد است فراتر از محدودیت‌های فنی اینترنت، این «اثرات اجتماعی فیلترینگ» و تصویر ایران به عنوان یک جغرافیای «طرد شده» است که نبض توسعه را کند کرده و نیروی انسانی را در بن‌بستی میان ماندن در یک اقتصاد ضعیف‌شده با پیوستن به بازار آزاد جهانی قرار داده‌است.

موج‌های فیلترینگ

نیما قاضی در پاسخ به این پرسش که مهاجرت در اکوسیستم دیجیتال ایران، تا چه حد وابسته به تغییرات سیاست‌گذاری‌های داخلی بر اینترنت است، به خیرانلایین گفت: «داده‌های آماری دقیقی در این حوزه نداریم که بخواهیم به آن استناد کنیم. اما چیزی که مشاهده می‌کنیم این است که هر بار اتفاقی در رابطه با اینترنت در کشور می‌افتد، چیزی فیلتر می‌شود یا بحث‌هایی مثل «طرح صیانت» و امثال آن مطرح می‌گردد، موج‌هایی از مهاجرت شکل می‌گیرد.

این موضوع را حتی از جست‌وجوی کلمات مربوط به مهاجرت هم می‌توان متوجه شد. از طرف دیگر، در میان همکاران این حوزه نیز می‌بینیم که این تمایل وجود دارد و در واقع هر زمان که این مباحث جدی می‌شود، بسیاری از آنها اقدام به مهاجرت می‌کنند». وی همچنین در پاسخ به این پرسش که چه خلأیی در داخل کشور باعث می‌شود که نیروی کار متخصص به مهاجرت فکر کند، گفت: «کارهای فنی، به خصوص در حوزه تجارت الکترونیک، راه همه جای دنیا تقریباً به یک شکل انجام می‌شود. توسعه یک سایت یا اپلیکیشن در ایران با جاهای دیگر دنیا تفاوت چندانی ندارد. اما در مقابل، در خارج از کشور چشم‌انداز درآمد‌های بسیار جذاب‌تری وجود دارد؛ همچنین نوعی از امنیت اجتماعی و ثبات برقرار است که باعث می‌شود آدم‌ها روز به‌روز با شرایط جدید سیاسی و اجتماعی روبه‌رو نشوند.

به همین خاطر، راه رفتن ساده‌تر و استاندارد شده‌است و مهاجرت امری دشنی به نظر می‌رسد. این موضوعات اجتماعی تأثیر بسیار زیادی در این حوزه می‌گذرانند.»

او افزود: «علاوه بر این، وقتی اینترنت محدود می‌شود، با پلتفرم‌ها برخورد می‌گردد و قوانین مدام تغییر می‌کنند، فرصت‌های شغلی داخل کشور کم شده، از بین رفته یا ضعیف می‌شوند. همچنین رشد این فرصت‌ها نسبت به تورم کمتر می‌شود و تمام این اتفاقات باعث می‌گردد که کفه ترازو به نفع آن طرف سنگین‌تر شود. در حالی که این حوزه در همه جای دنیا در حال رشد است. در ایران شاهد ضعیف شدن آن هستیم که دیتای مرکز‌آمار در سال‌های اخیر نیز گویای همین مطلب است.»

ایران؛ مقصد ممنوعه؟

قاضی که خود کارآفرین حوزه گردشگری هم هست در پاسخ به این پرسش که شرایط فعلی اینترنت و زیرساخت‌ها چه تأثیری بر عدم توسعه حوزه گردشگری گذاشته‌است، توضیح داد: «اینترنت تنها یک بخش از داستان است. در موضوع گردشگری داخلی، اکنون شرایط به‌گونه‌ای شده که گردشگر خارجی دیگر کلاً نمی‌آید. یکی از مواردی که در این موضوع تأثیر می‌گذارد، بحث اینترنت است.

من معتقدم اثر اجتماعی محدودیت اینترنت بیشتر از اثر فنی یا دسترسی آن است؛ چرا که اثر اجتماعی باعث می‌شود آدم‌های کمتری به ایران بایند.»

قاضی برای پاسخ به این سؤال که همانطور که به خاطر شرایط سیاسی کشور، اکثر کشورهای دنیا به شهروندان خود گفته‌اند که به ایران سفر نکنند و ایران در این حوزه‌ها به عنوان یک کشور «طرد شده» و «جنگ‌زده» محسوب می‌شود؛ یکی از عوامل مهاجرت نیروی کار متخصص و ترجیح او به فعالیت خارج از کشور نیز همین عامل است و این موضوع یک چالش در کنار سایر چالش‌هاست.

دوشنبه

۱۴۰۴ • ۱۰ • ۰۸

۰۸ رجب ۱۴۴۷ / ۲۹ دسامبر ۲۰۲۵

سال هشتم
شماره ۲۲۸۹

غلامعلی دهقان در گفت‌وگو با «آرمان ملی»:

غرض‌ورزی‌های قدرت طلبانه زینده نیست



آرمان‌های تندروها با واقعیت جامعه‌سنخیت ندارد

عقل سیاسی حکم می‌کند که از کلیت دولت دفاع کنیم

وفاق ملی ایرانیان اقدامی محصول چهار دهه انباشت

تجربه سیاسی است

آرمان ملی- حمید شجاعی: وفاق ملی شعاری بود که رئیس‌جمهور پزشکیان آن را برای تشکیل دولت مطرح کرد که از قضا از همان ابتدا نیز بسیار مورد توجه قرار گرفت و از حامیان گرفته تا منتقدین و مخالفین هر یک به نحوی با این محوریت به تعامل با دولت پرداختند. البته اینگونه به نظر می‌رسید؛ اما وقتی چند ماه از تشکیل دولت گذشت مشخص شد که حداقل وفاق بهارستان‌نشینان با دولت بیش از واقعیت روی همان شعار و تعارفات مرسوم استوار شده‌است، چراکه پس از شش ماه وزیر اقتصاد را با استیضاح سیاسی کنار گذاشتند و پس از آن هم اگر نبود انذارهای رهبر انقلاب شاید نیمی از دولت را یک سال نشده برکنار

با وجود اینکه دولت با وفاق ملی با سایر قوا و

سازمان‌ها مواجه‌است؛ اما شاهدیم که سایرین به ویژه مجلس رویکرد دیگری را در پیش گرفته‌اند و اخیراً پس از ماجرای طرح استیضاح وزرا؛ طرح سوال از رئیس‌جمهور دولت آقای پزشکیان را چگونه تحلیل می‌کنید؟ واقعیت این است که همگان باید در این نقطه اشراق داشته باشند که وضعیت کلی کشور در شرایط ویژه و حتی می‌توان ادعا کرد فراتر از ویژه قرار دارد. تعارض جمهوری اسلامی ایران با قدرت‌های سلطه‌گر به رهبری آمریکا و حامیانش و مساعدت فراوان اسرائیل در غرب آسیا به اوج خود رسیده‌است هر کسی که الفبای روابط بین‌الملل را بداند خیلی خوب به این نکته واقف می‌شود از سوی دیگر ناترازی‌های فراوان ناکارآمدی‌هایی که بعضاً در گذشته وجود داشته‌انها هم به منصف ظهور رسیده‌است. بنابراین در هر عمل سیاسی می‌بایست ظرف زمانی و شرایط مکانی را دریافت با این چند گزاره می‌توان به این نکته رسید که هر دولتی به هر فردی به عنوان رئیس دولت چهاردهم انتخاب می‌شد کار بسیار سخت و دشواری داشت. در هر حال مسعود پزشکیان توانست در شرایط تحریمی به ریاست دولت چهاردهم از سوی مردم انتخاب گردد و همان رقابتی که سال گذشته شکل گرفت باعث شد مشارکت بیشتری هم نسبت به انتخابات قبلی داشته باشیم و ایشان هم آرای بیش از نیمی از شرکت‌کنندگان را به خود اختصاص داد و طبق قانون اساسی تنفیذ مقام معظم رهبری را هم با خود به همراه آورد. در این شرایط دیگر بحث یک جناح و آن جناح نیست همه می‌بایست به ایران به مشکلات ایران به سختی‌های کار دولت مردان نیک بنگریم و با بهانه‌جویی و عیب‌جویی بهره‌بریزیم. البته این سخن مانع از انتقاد سازنده نیست ولی آنان که امروزه برچم سوال از ریاست جمهوری و یا حتی استیضاح سربلای را مطرح می‌کنند فقط کافی است به عملکرد دولت سیزدهم ببیندیشند. بنابراین اگر فرض آنها این است که با تغییر یک نفر و یا تضعیف دولت فعلی می‌توانند در آینده حرفی برای گفتن داشته باشند بسیار اشتباه عمل می‌کنند هرچند تمام قرائن و شواهد نشان می‌دهد مقام معظم رهبری همانطور که بارها از این دولت دفاع کرده‌اند هیچگاه با سقوط دولت موافقت نخواهند کرد و در برابر پروژه تندروهای غرض‌ورز خواهند ایستاد. در این شرایط بهتر آن است که همه سران جناح‌ها هم از اصولگرایان با همه گرایش‌های مختلف، اصلاح‌طلبان و مستقلین دست به دست هم داده تا بتوانیم این گردنه سخت و این پیچ مهم تاریخی را سر به سلامت بگذرانیم. به نظر می‌رسد قاعده انصاف حکم می‌کند حرف‌هایمان را بزبیم؛ اما سیاه‌نمایی مچ‌گیری، انداختن تمام عیوب ۴۷ سال گذشته به پای یک دولت تازه تاسیس نپنداریم تا بتوانیم دست کم پشت جبهه نبرد با آمریکا و اسرائیل را محکم‌تر از همیشه پاس بداریم. فراموش نکنیم رهبر فقید انقلاب در سال ۱۳۶۴ در حالی که سران جریان راست وقت یعنی اصولگرایان تلاش می‌کردند دولت مهندس موسوی تکرار نشود، محکم و قاطعانه از دولت وقت حمایت کردند، چراکه به خوبی از مشکلات کشور در زمانی که دشمن از هر فرصتی برای تضعیف ایران استفاده می‌کند آگاه بودند.

تصور می‌کنید چرا تندروهای اصولگرا با وجود

علم و اطلاع از شرایط کشور، تحریم‌ها و مشکلات اقتصادی جامعه باز هم با نگاه یکجانبه و منفعت طلبانه رئیس‌جمهور و دولت را مورد حیمه قرار می‌دهند؟
من معتقدم طیف اصولگرایی یک شخصیت واحد حقوقی ندارد. همانطور که طیف اصلاح‌طلب هم این چنین است. وقتی گفته می‌شود طیف یعنی اشخاصی که از جهت فکری به یک مجموعه نزدیک هستند. بنابراین تعمیم دادن یک موضوع یا یک قضیه به بخشی از یک طیف سیاسی کاری منطقی نیست. هم اکنون در میان اصولگرایان و رسایی ادامه حقیقی و حقوقی یعنی احزابی هستند که از دولت چهاردهم حمایت می‌کنند. در حقیقت یک سر طیف اصولگرایان شخصیت معقولی مثل علی لاریجانی است که اخیراً جناب محمدرضا باهنر هم دیدگاه‌هایی عاقلانه و حکیمانه مطرح کرده و این مجموعه تا امثال آقای ذوالنوری و رسایی ادامه دارد. بنابراین همه اصولگرایان مثل هم نمی‌اندیشند در حقیقت بخشی از این جریان در یک تحلیل درست و منطقی به منافع ملی می‌اندیشد و می‌داند که دولت چهاردهم اقدامات مفیدی انجام داده‌است. حداقل اینکه

armanmeli.ir



می‌کردند. هرچند که این رویه هنوز هم متوقف نشده و شاهدیم که در شرایط حاضر مجلسی‌ها به جای حمایت و وفاق با دولت استیضاح‌های سریالی را به راه انداخته و در جدیدترین پروژه خود طرح سوال از رئیس‌جمهور را کلید زده‌اند تا تندروها نشان دهند به جای تعامل با دولت تقابل را برگزیده‌اند و حتی از پایین کشیدن دولت و رئیس‌جمهور نیز ابایی ندارند. در همین راستا برای بررسی مواجهه مجلس با دولت، سوال از رئیس‌جمهور و وفاق ملی، «آرمان ملی» با غلامعلی دهقان فعال سیاسی اعتدالگرا به گفت‌وگو پرداخته‌است که می‌خوانید.

مسائل اقتصادی سوءاستفاده کردن، روا و زیننده جناح‌ها و طیف‌های درون نظام نیست، البته اگر وقعا دلسوز باشند.

توصیه‌ای که می‌توان تندروهای طیف اصولگرا کرد که طی دو دهه اخیر روز به روز لاغرتر نحیف‌تر و ضعیف‌تر هم شده، این است که آرمان‌گرایی قابل قبول است اما آرمان‌گرایی باید با واقع‌بینی توأم باشد

البته نکته‌ای که مطرح شد قابل تحمل، اعتنا و البته مسبق به سابقه‌است. پیش از این هم دیده بودیم وقتی که دولت اصلاحات جناب خاتمی موضوع مدینه النبی را مطرح کردند همین تفسیرهای موسع شکل گرفت با زمانی که دولت روحانی موضوع اعتدال را مطرح کرد باز هم پرسش این بود که اعتدال از مفهوم شسته رفته و شفاف‌ی دارد. یاد ر مقطعی که در دهه ۷۰ در سلح کلان موضوع تهاجم فرهنگی مطرح شد، آن موقع هم حرف و حدیث فراوان بود که آیا کدام فیلیم یا کتاب مصداق تهاجم فرهنگی است. بنابراین بر مسعود پزشکیان خرده نباید گرفت اگر از واژه وفاق ملی استفاده ابزاری می‌شود و البته تشخیص او در شرایط فعلی کاملاً درست است. بعد از ۴۷ سال بدیهی است که آقای پزشکیان به این جمع‌بندی برسد که درگیری‌های جناحی نمی‌تواند ما را به مقصود برساند. جناح‌ها می‌بایست فعالیت سیاسی داشته باشند. اصولاًتداوم انقلاب ما به علت کثرت و تکرار افکار ایرانیان بوده‌است که توانستند در قالب جمهوری اسلامی حرف‌های خود را بزنند. آنچه مقصود آقای پزشکیان بود این بود که جناح زگی مشکل دارد که آدم یاد همان واژه غرب زدگی آل احمد می‌افتد که می‌گفت من نمی‌گویم غرب بد است، غرب هم مثل سرما مثل گرما لازم است گرم‌زدگی و سرمازدگی و غرب‌زدگی بد است. واقعیت این است تجربه چهار دهه انقلاب نشان می‌دهد ما اگر توانستیم تمام توطئه‌ها را تا اینجا خنثی کنیم بخش قابل توجه آن به خاطر وفاق حول محور ارایبنت، بخشی از آن ناشی از وفاق حول محور اسلامیت و بخش دیگر آن به خاطر وفاق حول محور سازندگی و آبادانی ایران بوده‌است. بنابراین می‌بایست از شعار وفاق ملی که البته بیش از این برخی از جریانات سیاسی هم از دو دهه پیش مطرح می‌کردند دفاع کرد؛ اما وقتی می‌گوییم ایران باید مقصود را مشخص کرد. ایران دو دوره تاریخی دارد ایران باستان و ایران دوره اسلام. ما برای رفاه به هر دوره نیاز داریم و خوشبختانه در همین چند ماه اخیر گام‌های خوبی برداشته شده مثل نصب تندیس ارش کمانگیر در میدان ونک یا تندیس شاپور ساسانی که در برابر امپراتور روم ایستاد. برخلاف کسانی که نصب این تندیس‌ها را سرنش می‌کنند باید دفاع کرد از اینکه بار دیگر سرود ایران بیش از گذشته مطرح می‌شود و رهبر بزگوار انقلاب هم به این موضوع عنایت داشتند و همه اینها قابل تقدیر است. حال اگر کسانی درک درستی از ایران باستان ندارند مشکل آنهاست که مقوله وفاق از این سوال می‌برند. محور اسلام هم لازم است چراکه اکثریت ملت ما مسلمان هستند؛ اما نباید فراموش کنیم که بخشی از ما مسلمان‌های ایرانی بالاخره شیعه نیستیم و اهل تسنن هستند که می‌بایست اقداماتی انجام دهیم که وحدت شیعه و سنی را به هم نزنند فراموش نکنیم که هفته وحدت میراث بزرگ رهبر فقید انقلاب امام خمینی است و همچنین رهبر انقلاب نیز به شدت به وحدت شیعه و سنی ایمان دارند و بارها به این نکته اشاره دارند. در مورد آبادانی ایران هم هر ایرانی دلسوز و علاقه‌مند به ایران نمی‌تواند به ایران با آبادانی ایران و توسعه ایران فکر نکند بنابراین طرح شعار وفاق ملی ایرانیان به نظر اقدامی مفید سازنده و محصول چهار دهه انباشت تجربه سیاسی بود که خوشبختانه از سوی رئیس‌جمهور مطرح شد. باید از تاریخ درس بگیریم؛ نگاه همه‌جانبه‌داشته باشیم، هم به ایران ببیندیشیم و هم محتوای آن را با اسلامی ارائه دهیم که عاقلانه و حکیمانه باشد و حقوق انسان‌ها را در بر بگیرد. آنچه که قریب به یقین است و در جامعه می‌بینیم گسترش طیف میانه‌است که بخش قابل توجهی از اصلاح‌طلبان درون نظام، اصولگرایان واقع بین اعتدالیون کشور و مستقل‌های آزاده را شامل می‌شود. طیفی که به نظر می‌رسد می‌توانیم بگوییم یک راس آن سیدمحمد خاتمی رئیس‌جمهور اسبق و یک سر طیف دیگر آن رقیب انتخاباتی وی شیخ علی اکبر ناطق‌نوری است که مواضع نزدیکی به هم دارند.

با وجود اینکه بسیار به مساله انسجام ملی پس از جنگ و لزوم حل مشکلات جامعه اشاره شده، اما شاهدیم پس از مدتی همه چیز به روال سابق بازگشت و وعده‌ای انسجام ملی را کنار گذاشتند. آیا این رویه به رابطه جامعه و حاکمیت لطمه زنده‌است؟

فراموش نکنیم هنوز جنگ به پایان نرسیده‌است. هنوز دشمن بیرونی ما رجزخوانی می‌کند و نخست وزیر اسرائیل برای شورش به آمریکا خواهد رفت و انتظار دارد که بار دیگر رئیس‌جمهور آمریکا در حمله احتمالی او را یاری کند که البته اگر سران اسرائیل و آمریکا عقل مختصری داشته باشند چنین ریسکی نخواهد کرد. همانطور که بخش قابل توجهی از کارشناسان سیاسی امنیتی غرب اقدام اسرائیل و آمریکا را اگر قصد حمله داشته باشند یک تاکتیک اشتباه قلمداد می‌کنند. در این شرایط حساس باید عقل سیاسی داشت و از کلیت دولت دفاع کرد، مسائل جناحی را کنار گذاشت و البته نقد سازنده را هم ارائه داد، اما مچ‌گیری سیاسی، بزرگنمایی مشکلات، غرض‌ورزی‌های قدرت طلبانه و به تعبیری از

در این شرایط حساس باید عقل سیاسی داشت واز کلیت دولت دفاع کرد، مسائل جناحی را کنار گذاشت و نقد سازنده را هم ارائه داد، اما مچ‌گیری سیاسی، بزرگنمایی مشکلات و غرض‌ورزی قدرت طلبانه روانیست

سیاست

ذره بین

همه چیز درباره لایحه بودجه ۱۴۰۵

با تحمیل شوک ارزی، تورم سه‌رقمی خواهد شد



شرایط دشواری که کشور در آن قرار دارد و احتمال لغو تحریم‌ها از طریق مذاکره به حداقل رسیده، لایحه پیشنهادی دولت یک لایحه انقباضی محسوب می‌شود. سطح انقباض در بودجه پیشنهادی در سطحی است که می‌توان آن را یک بودجه ریاضتی محسوب کرد. بودجه ریاضتی، گرچه نوعی بودجه انقباضی است اما شدت حذف خدمات عمومی، کاهش چشمگیر هزینه‌های دولت، با کاهش پرداختی به کارمندان همراه می‌شود.

سطح انقباض در بودجه ریاضتی چنان شدید است که به وضوح در سفره‌ها و معیشت خانوار احساس می‌شود و رفاه عمومی دچار کاهش ملموس می‌شود. ویژگی که به نظر می‌رسد در بودجه پیشنهادی دولت چهاردهم به وضوح وجود دارد، دولت چهاردهم مانند بودجه پارسال خود و مشابه اقداماتی که دولت سیزدهم آغازگر آن بود، با وجود این‌که تورم بالا و نزدیک ۵۰ درصد در حال شکل گرفتن است، اجازه افزایش حقوق کارمندان و مستمری بازنشستگان را بیش از ۲۰ درصد نداده‌است. به زبان ساده‌تر گرچه به طور اسمى حقوق کارمند و مستمری بازنشسته افزایش می‌یابد، اما با توجه به تورم بالا، قدرت خرید آنها به نحو محسوسی کاهش خواهد یافت. از سوی دیگر دولت با افزایش ۶۳ درصدی مالیات، فشار بر تولید و بنگاه‌های فعال و نیمه فعال را افزایش خواهد داد.

این در حالی است که هم اکنون اقتصاد ایران وارد یک دوره تورمی شده و انتظار می‌رود در ۱۴۰۵ شدت رکود بیشتر هم شود. در شرایط رکودی، افزایش مالیات تأثیری فزاینده بر رشد منفی و تداوم رکود خواهد داشت. همزمان نرخ مالیات بر ارزش افزوده به ۱۲ درصد رسید که هم بر مصرف کالاها و خدمات و هم بر قیمت نهایی آنها تأثیر خواهد داشت. دولت که با افزایش متناسب حقوق کارمندان و مستمری بازنشستگان به بهانه افزایش تورم مخالفت کرده بود، با افزایش نرخ مالیات‌ها

سود، در بلندمدت

یک کارشناس مسائل اقتصادی در خصوص اینکه لایحه بودجه پیشنهادی برای ۱۴۰۵ را می‌توانیم یک لایحه انقباضی بنامیم اظهار داشت: همین‌طور است و این بودجه مصداق یک بودجه انقباضی است. زیرا این لایحه در مقایسه با بودجه ۱۴۰۴ تنها ۵ درصد افزایش هزینه‌ها و مصارف داشته‌است. این در حالی است که هم اکنون و تا پایان آبان ماه نرخ تورم سالانه ۴۰ درصد و تورم نقطه‌ای بیش از ۴۹ درصد است و انتظار می‌رود در ادامه سال هم این روند فزاینده ادامه داشته باشد. به این ترتیب با وجود یک تورم بالا، بودجه تقریباً مشابه سال گذشته بوده‌است. محمد تقی قاضی درباره ریشه‌بینی مراکز رسمی از میزان تورم گفت: مراجع مختلف برآوردهایی داشتند؛ بیشترین برآورد به بانک مرکزی تعلق دارد که پیش‌بینی یک تورم ۵۰ درصدی برای ۱۴۰۵ را دارد. البته من فکر می‌کنم چنین پیش‌بینی بسیار خوش‌بینانه‌است. با این تورم، رشد ۵ درصد بودجه صرفاً رشد اسمی است و در عمل دولت به سمت کاهش هزینه‌رفته‌است. وی ادامه داد: اگر نرخ ارز ترجیحی حذف شود و یک شوک تورم سه‌رقمی در ۱۴۰۵ خواهد انجامید. دولت در بودجه پیشنهادی خود البته چنین چیزی را داده و بناست ارز ترجیحی ۲۸۵۰۰ حذف شود. این کارشناس اقتصادی در خصوص نقاط مثبت و منفی بودجه بیان کرد: از این جنبه که دولت یک مقدار خودش را جمع و جور کرده، می‌تواند به افزایش فرصت‌های بخش خصوصی واقعی منجر شود و به ویژه در میان مدت و بلندمدت به سود کشور است.

با این وجود، دولت فشار زیادی هم به کارمندان و بازنشستگان آورده‌است؛ یعنی برای چندمین سال پیاپی، با وجود اینکه تورم بالا است، حقوق کارمند و مستمری بازنشستگان را به مراتب کمتر افزایش می‌دهد. توجه به این نکته که بخش بزرگ فشار انقباضی بر سفره مردم و به طور خاص کارمندان دولت و بازنشستگان است، ضعف بزرگی برای این بودجه محسوب می‌شود. این بودجه به یک معنا بیشترین انقباض را به معیشت بخشی از مردم تحمیل می‌کند. وی در خصوص تفاوت‌های ارز کالاهای اساسی و نرخ ارز رسمی اظهار کرد: در بودجه امسال، برای واردات کالاهای اساسی ۱۱ میلیارد یورو در نظر گرفته شده بود که در بودجه پیشنهادی امسال به ۷ میلیارد کاهش یافته‌است. در عین حال نرخ تسعیر هم بالا رفته و به ۱۰۳ هزار تومان برای هر یورو رسید. این امر به معنای آن است که دلار ترجیحی هم از ۲۸۵۰۰ تومان به بیش از ۷۰ هزار تومان خواهد رسید. در پی این اقدام، فشار حداکثری به مردم وارد خواهد شد.

به زبان ساده‌تر دولت در بخش ارزی هم تمام فشار ممکن را به معیشت مردم وارد کرده و با کاهش میزان ارز اختصاصی و افزایش نرخ تبدیل آن به ریال، زمینه یک فشار تورمی در بخش کالاهای اساسی را فراهم کرده‌است. وی در خصوص رویکرد دولت در بخش درآمد‌های مالیاتی عنوان کرد: در این بخش هم روند قبلی ادامه دارد. یعنی با وجود رکود اقتصادی، دولت در پی افزایش ۶۳ درصد مالیات‌هاست. مالیات بر ارزش افزوده هم به یکباره ۱۲ درصد شد. به یک معنا دولت می‌خواهد تا جای ممکن همه درآمد‌های آزاد را شامل می‌شود. اقتصادی ایران همین امروز در وضعیت رکودی قرار دارد و یکی از سیاست‌های مرسوم برای خروج از رکود، کاهش مالیات بنگاه‌هاست. دولت از آنجایی که خودش در بخش درآمد، دچار مضیقه‌های زیادی است، به جای آنکه بودجه را بر مبنای واقعیات اقتصاد کلان ببندد، آن را براساس نیازهای خودش بسته‌است.